

# هنر جلدسازی در ایران



مصطفی رستمی  
(عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد)

قسمت دوم

یکی از مواد اساسی در هنر اسلامی ایران که در بسیاری از شاخه های هنری به ویژه جلدسازی در طی بیش از ده سده ی گذشته کاربرد فراوانی داشته است، مقوا است. این ماده اگرچه در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، ساختاری کاغذی داشته و معمولاً از خمیر کاغذ و یا چسباندن لایه های کاغذ، تهیه می شده، اما به دلیل دارا بودن ویژگی های فیزیکی متفاوت نسبت به کاغذ، همواره به عنوان تکیه گاه، نگاهدارنده، پوشاننده و یا بستر برای بسیاری از هنرهای اسلامی از جمله تجلید بوده است. بسیاری از آثار هنری مربوط به کتاب سازی که در آغوش مقوا در قالب جلد، محفظه، قاب، بستر نقاشی و... سالیان درازی زنده مانده اند، مدیون ویژگیهای کیفی مقوا می باشد که توسط هنرمندان مقواگر زبردست به دقت ساخته و پرداخته می شد. روشن است که تلاش برای شناخت بیشترین مقوله ی غریب در میان پژوهش های هنر اسلامی و ایرانی، ما را در جهت احیای بهتر و حفاظت مطلوب تر آن به ویژه هنر جلد سازی یاری خواهد کرد.

و... ایجاد می کرده اند. از قرن ششم تا آغاز قرن هشتم هجری/ سیزدهم تا پانزدهم میلادی، نسخه های خطی را در جلد های چرمی-از چرم خام و پخته ی میشن (پوست بره یا گوسفند) و تیماج (پوست بز یا بزغاله) رنگ شده- به صورت ساده، محفوظ می داشته اند. پس از مدتی از پوست نازک گوساله، یا شبرو (شورو) و نیز از پوست نازک کره الاغ یا چرم ساغری- که پوشیده از دانه های ظریف بود- پس از رنگ آمیزی، در تجلید کتاب ها استفاده می کرده اند که بر تیماج و میشن برتری داشته است. از اوایل قرن هشتم تا اواخر قرن نهم هجری/ پانزدهم تا شانزدهم میلادی، در مکتب خراسان و سپس در زمان حکومت شاهرخ تیموری و فرزندش بایسنقر میرزا، هرات مرکز فنون تجلید به روش

کتاب (حدود ۵ تا ۷ میلی متر از سه سوی کتاب به جز قسمت عطف) برش می زده اند. سپس روکش های جلد را به دلخواه و در انواع مختلف (که در ذیل شرح مختصر آن می آید) با موادی چون: چرم های تیماج، شبرو، میشن و ساغری، پارچه های تزئینی (مانند مخمل، ترمه، گلدوزی و...) گالینگور و روغن کمان، بر روی دفتین یا دفتینه می چسبانده اند.

همچنین از مقوا های شمیم که از نوع مقوا های نازک می باشد نیز بیشتر به عنوان آستر بدرقه کتاب و در مواردی هم برای جزوات و یا کتاب های کم قطر، به عنوان نوعی جلد سبک استفاده می شده است. علاوه بر این از مقوای شمیم برای ساخت عطف جلد که روی آن با یکی از روکش های نامبرده پوشانده می شده نیز استفاده

در فصل اول این مقاله ابتدا گذری بر تاریخچه ی ساخت مقوا در ایران مورد بررسی قرار گرفته و سپس روش های ساخت مقوا در هنر جلد سازی ایران در سه موضوع مقوای کاغذ چسبانده، مقوای پایه ماشه و مقوای خمیری بیان شد، اینک در ادامه ی مطلب با این هنر ارزنده بیشتر آشنا می شویم.

## کاربرد مقوا در هنر جلد سازی ایران

از آغاز پیدایش پدیده ی مقوا، کاربردهای فراوانی در هنرهای مختلف پیدا کرده است. مجموعه ی هنرهای کتاب سازی ایران که در آن مقوا فراوان استفاده می شده، شامل: صحافی، تجلید (در شیوه های مختلف و با روکش های گوناگون از جمله: چرم، پارچه، روغن کمان یا لاک، گالینگور، کاغذ



سوخت، معرق و ضربی (که در دوران صفوی نیز تداوم یافت و تا پایان قرن دهم هجری/ قرن هفدهم میلادی، ادامه داشته و به تدریج جای خود را به جلد روغنی داده) بوده است و بدین وسیله با انواع شیوه های رایج چرم کاری بر جلد، روکش های بسیار زیبایی بر روی مقوا می چسبانده اند و متناسب با شأن و منزلت کتاب بر روی آن کارهای

می گردیده است. کاربرد دیگر مقوا در صحافی و تجلید، مربوط به ساخت میل عطف می شود که در گذشته برخی با چوب، مفتول های فلزات زنگ نزن یا پلاستیکی و برخی نیز با مقوا برجستگی های زیبایی را به منظور تفکیک مطالبی که لازم است در قسمت عطف کتاب، طلاکوبی یا نوشته شود مثل: نام کتاب، نام مولف و سال تالیف یا انتشار،

و نیز استفاده از مقوای شمیم در جلد های سبک و آستر بدرقه ی کتاب، ساخت جعبه یا محفظه ی کتاب (جهت نگاهداری کتاب)، ساخت دستک و ساخت مرقع است.

جلد سازان و مجلدگران از مقوا برای تهیه ی دفتین جلد و سرطیل آن استفاده می کرده اند. بدین صورت که به اندازه کمی بیشتر از کاغذ



می‌شود. خمیرچوب، کاغذ باطله، تراشه ی چوب و برخی از زائده های الیاف گونه تولیدی و صنعتی را مخلوط کرده و از آن مقوای الیافی تهیه می‌کنند. گرچه این نوع مقوا استحکام مقوای نوع الف را ندارند، ولی از آنجا که اقتصادی تر است و برخی از انواع آن در عین ارزانی نسبی، از استحکام کافی برخوردار است، بیشتر کاربرد دارد. اما در صحافی کتاب های گرانبها بهتر است با احتیاط از این نوع مقوا استفاده کرد. زیرا حصول اطمینان از استحکام و دوام مواد ترکیبی آن به سادگی ممکن نیست.

ج- مقوای کاهی، که از کاه ساخته می‌شود و ارزان قیمت ترین نوع مقوا است. مقوای کاهی نرم است، استحکام کافی را ندارد و به آسانی تاب برمی‌دارد. مقوای کاهی در صحافی کتاب کاربرد ندارد و حتی برای صحافی کتاب های کم ارزش و ارزان قیمت هم مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. نوعی دیگر از مقوا هستند که از پارچه های کهنه و دم قیچی، ساخته می‌شوند. این نوع مقواها، محصول خوبی بوده و از کیفیت مرغوبی برخوردارند. از این نوع مقواها برای چاپ های تزئینی و کارهای هنری و غیره استفاده می‌شود و به علت قیمت گران آن، کمتر برای صحافی کتاب به کار می‌رود، ولی برای کتاب های با ارزش منسبتند.

لازم و ظرافت بیش تری را به عطف جلد ببخشند، معمولاً در این قسمت ضخامت مقوا کمتر از دفته است. برای این کار یا مقوایی می‌ساخته اند که دارای ضخامت کمتری باشد، یا مقوای ضخیم را از طرف ضخامت آن نصف می‌کرده و یا مثل یکی دو قرن اخیر از مقوای شمیم استفاده می‌کرده اند.

### ۳- میل عطف

این قسمت مکمل تزئینات عطف است و معمولاً برای ایجاد بند های با فاصله ی مشخص و منظم جهت نوشتن یا طلا کوبی نام کتاب، نام مؤلف یا مترجم، زمان و مکان انتشار و یا شماره ی کتاب به کار می‌رفته است. بدین صورت که معمولاً بین ۲ تا ۵ عدد میل با فاصله ی منظم به عطف چسبانده می‌شده است. برای ساختن میل عطف می‌توان از موادی چون مقوا، مفتول فلزی، ورق فلزی، پلاستیک و یا چوب استفاده کرد. در مورد مقوا باید اطراف آن به گونه ای با تیغ یا کارد مخصوص تراشیده و پخ شود که پس از روکش

کردن بر زیبایی انحنای عطف بیافزاید.

### ۴- سرطلب

در مورد این قسمت جلد، شرایط انتخاب مقوا و کیفیت آن همانند قسمت دفتین است و فقط باید هنگام برش زدن و لب گرد کردن دقت کافی مبذول داشت تا به ظرافت آن هنگام روکش کردن افزوده گردد. بر روی بعضی سرطلب یا لبه برگردان ها نیز قفل یا سگک به منظور بستن کتاب تعبیه می‌شده است.

### ۵- محفظه یا غلاف

این قسمت که تقریباً مستقل از جلد است، معمولاً کمی بزرگتر از کل حجم جلد ساخته می‌شده و شرایط انتخاب مقوا مانند شرایط و کیفیت دفتین جلد است و باید در مراحل برش دادن و لب گرد کردن و کنار هم قراردادن و سپس روکش کردن دقت کافی به عمل آید تا نهایتاً حجم مکعبی درست و با ایستایی کامل و ظرافت متناسب با جلد کتاب حاصل آید. در بعضی محفظه ها نیز همچون جلد دارای سرطلب بوده و قفل یا سگک نیز بر آن تعبیه می‌شده است.

ادامه دارد...



هنری از قبیل اجرای طرحهای اصیل و بدیع از نقش های هندسی، اسلیمی و ختایی، گل و مرغ، پرند و حیوانات درنده و افسانه ای و یا انسان انجام می‌داده اند. (احسانی، ۱۳۶۸، ۲۰)

لازم به ذکر است که ساخت جلد های مقوایی ایرانی در زمان صفویه که به فن شناسی ساخت مقوا آشنایی بیشتر پیدا کرده اند، رواجی فراوان یافته و علاوه بر روکش های ذکر شده، از هنر روغنی در ساخت جلد ها نیز تا اواخر سده ی سیزدهم هجری به بهترین و زیباترین نحو بهره می‌برده اند. به قول محمدتقی احسانی، "هنر لاک سازی یا روغنی در کشور ما گذشته ی دیرینه دارد. ایرانیان پیش از ظهور اسلام با این هنر آشنایی داشته اند و آن را در معماری جهت حفاظت چوب در مقابل آسیب حشرات و حفظ آشیای چوبین در مقابل حرارت و رطوبت به کار می‌بردند. ماده ی اصلی آن از صمغ درخت سروکوهی به نام سندروس گرفته شده و با حشره ی قرمز تیره رنگ به نام لاک که عوام آنرا قرمز می‌نامیدند، ممزوج نموده و جهت رنگ آمیزی و دوام چوب به مصرف می‌رساندند..." (همان، ۲۹)

ایشان معتقدند: "به استناد شواهد مختلف در فن لاک کاری که میراثی از گذشتگان است، پیش از هجوم مغولان و تیموریان، و ارتباط با مردم چین در این دوران، با این ماده آشنایی داشته اند و آن را در فن صباغی (رنگرزی) و نقاشی به کار می‌بردند و این عقیده که هنر لاک کاری را در جلد سازی، ایرانیان در عصر آل تیمور از هنر چینی تقلید و اقتباس کرده اند، سخت بی اساس است." (همان، ۳۱)

علاوه بر تقسیم بندی انواع مقوا در هنر جلد سازی ایران از نظر فن ساخت (که شرح آن در مبحث قبل آمده است)، مقوای خاص تجلید و صحافی را از نظر نوع و مواد بکار رفته ی آن می‌توان به سه دسته ی زیر تقسیم کرد (نیکنام، ۱۳۷۱، ۳۶):

الف- مقوای کنفی، که ضخیم و تیره رنگ است و از الیاف کنف تهیه می‌شود. کیفیت جنس این مقوا مطلوب است و پس از صحافی محکم و خوب باقی می‌ماند.

ب- مقوای الیافی، که بیشتر جلد ها را از آن می‌سازند، به وسیله ی ماشین و از الیاف گوناگون ساخته

**به استناد شواهد مختلف در فن لاک کاری که میراثی از گذشتگان است، پیش از هجوم مغولان و تیموریان، و ارتباط با مردم چین در این دوران، با این ماده آشنایی داشته اند و آن را در فن صباغی (رنگرزی) و نقاشی به کار می‌بردند و این عقیده که هنر لاک کاری را در جلد سازی، ایرانیان در عصر آل تیمور از هنر چینی تقلید و اقتباس کرده اند، سخت بی اساس است**

### کاربرد مقوا در اجزای مختلف جلد کتاب

از آنجا که قطع جلد های کتاب ها و یا مرصعات در طول تاریخ متفاوت و متنوع بوده، به تبع آن اندازه ی مقوای جلد ها نیز تنوع زیادی داشته، ولی اساس کاربرد مقوا در جلد ها شامل قسمت های زیر بوده است:

#### ۱- دفتین

این قسمت که شامل دو دفته می‌شده، بخش اصلی ساختار جلد را تشکیل می‌دهد. ضخامت مقوا در این قسمت عمدتاً بین ۳ تا ۵ میلی‌متر بوده است. با توجه به اینکه این قسمت بیشتر در معرض مشاهده، استفاده و آسیب دیدن است، مقوای مورد استفاده باید از نوع محکم، بادوام، صاف، بدون رگه و طبله و نیز یک دست باشد.

#### ۲- عطف

در این قسمت از جلد، از این جهت که ایستایی و استواری جلد و کتاب را توأماً تأمین می‌کند، باید از مقوای محکم، بادوام، صاف، بدون رگه و طبله و نیز یکدست استفاده شود و برای اینکه انحنای